خط حزب‌الله

هفته‌نامه خبری-تبیینی | سال پنجم، شماره ۲۱۰ | هفته چهارم آبان ۹۸ | نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | KHAMENEI.IR

درس‌هایی از رفتار سیاسی پیامبر(ص)

شدید با پیمان‌شکنان

سخن هفته

«خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم. این تبعیت، در همه چیز زندگی است. آن بزرگوار، نه فقط در گفتار خود، بلکه در رفتار خود، در هیأت زندگی خود، در چگونگی معاشرت خود با مردم و با خانواده، در برخوردش با دوستان، در معاملاتش با دشمنان و بیگانگان، در رفتارش با ضعفا و با اقویا، در همه چیز اسوه و الگوست.» ۷۰/۷/۵ جامعه‌ی اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه‌ی اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر منطبق کند. اگر به طور صددرصد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست - که نیست - لااقل شباهت به آن بزرگوار باشد؛ عکس جریان زندگی نبی‌اکرم ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت بکنیم.۷۰/۷/۵

یکی از ساحت‌هایی که رفتار پیامبر(ص) می‌تواند برای جامعه‌ی امروز ما و جهان اسلام، الگو باشد، رفتار سیاسی ایشان است. در یک نگاه کلی، رفتار و مشی سیاسی پیامبر(ص) مبتنی بر همان چیزی است که قرآن از آن تعبیر به «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» می‌کند. چگونه؟ بخوانید:

نحوه مواجهه پیامبر(ص) با دشمنان

از همان ابتدایی که حکومت پیامبر(ص) در جامعه‌ی نوپای مدینه شکل گرفت، دشمنان آن هم شروع به کار کردند. پیامبر(ص) در دوران حکومت خود، حداقل با سه گروه دشمن مواجه بود.

دشمن اول، قبایل نیمه وحشی: که اطراف مدینه زندگی می‌کردند. «و تمام زندگی آنها عبارت از جنگ و خونریزی و غارت و به جان هم افتادن و از همدیگر قاپیدن است.» ۸۰/۲/۲۸ پیامبر «در هر کدام از آنها اگر نشانه‌ی صلاح و هدایت بود، پیمان بست... و بر عهد و پیمان خودش، بسیار پافشاری می‌کرد و پایدار بود.» ۸۰/۲/۲۸ اما آنهایی که شریر و غیرقابل اعتماد بودند، «پیغمبر سراغ آنها رفت و آنها را منکوب کرد و سر جای خودشان نشاند.» ۸۰/۲/۲۸

دشمن دوم، اشراف مکه و اهل قریش: «پیغمبر احساس کرد اگر بنشیند تا آنها سراغش بیایند، یقیناً آنها فرصت خواهند یافت؛ لذا سراغ آنها رفت؛ منتها به طرف مکه حرکت نکرد. راه کاروانی آنها از نزدیکی مدینه عبور می‌کرد؛ پیغمبر تعرّض خودش را به آنها شروع کرد، که جنگ بدر، مهم‌ترین این تعرّض‌ها در اوّل کار بود. پیغمبر تعرّض را شروع کرد؛ آنها هم با تعصّب و پیگیری و لجاجت به جنگ آن حضرت آمدند. تقریباً چهار، پنج سال وضع این‌گونه بود؛ یعنی پیغمبر آنها را به حال خودشان رها نمی‌کرد؛ آنها هم امیدوار بودند که بتوانند این مولود جدید - یعنی نظام اسلامی - را که از آن احساس خطر می‌کردند، ریشه‌کن کنند. جنگ اُحد و جنگ‌های متعدّد دیگری که اتّفاق افتاد، در همین زمینه بود.» ۸۰/۲/۲۸ آخرین جنگ پیامبر(ص) با این دشمنان، جنگ خندق بود و پس از آن، ماجرای صلح حدیبیه پیش آمد و پیامبر(ص) با آنان پیمان صلح امضا کرد. اما سال هشتم بعثت، «که کفّار نقض عهد کرده بودند، پیغمبر رفت و مکه را فتح کرد، که فتحی عظیم و حاکی از تسلّط و اقتدار آن حضرت بود.» ۸۰/۲/۲۸

دشمن سوم، یهودی‌ها: «یعنی بیگانگان نامطمئنی که علی‌العجاله حاضر شدند با پیغمبر در مدینه زندگی کنند؛ اما دست از موذیگری و خیانت‌شان را با اقتدار کامل داد.

برای وفاق و وحدت، همه باید تلاش کنند

درست در نقطه‌ی مقابل اما رفتار پیامبر(ص) با مسلمانان و افرادی که در جامعه‌ی اسلامی زندگی می‌کردند، مبتنی بر محبت و رحمت و مدارا بود. «در مجلس پیغمبر یک نفری به عِرض یک مؤمنی تعرّض کرد، به آبروی یک مؤمنی یک تعرّضی کرد، یک نفر دیگر در همان مجلس از آن مؤمنی که مورد تعرّض قرار گرفته بود دفاع کرد. پیغمبر فرمودند این کاری که تو کردی -که دفاع کردی از آبروی مؤمن- این حاجز در مقابل آتش جهنّم است، این حجاب در مقابل آتش جهنّم است؛ سبک زندگی اسلامی یعنی این؛ یعنی «إرحَم تُرحَم»، رحم کن تا مورد ترحّم قرار بگیری از طرف خدای متعال؛ اینها باید آموزش داده بشود به جوان‌های ما. جوان ما باید این‌جوری تربیت بشود؛ در مقابل ظلم بایستد، در مقابل متعرّض و متعدّی بایستد امّا با برادر مؤمن، با مهربانی، با گذشت رفتار کند.» ۹۷/۳/۲۰ «برای این که ما بنیان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش‌نیاز اوّلی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند... معنای وفاق این است که نسبت به هم خوشبین باشند؛ «رحماء بینهم» باشند؛ همدیگر را تحمّل کنند؛ در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنّج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متّهم کردن بپرهیزند. امروز به نظر من وظیفه‌ی ما این است.» ۸۱/۳/۷●

مردم فلسطین نام خود را به عنوان مقاوم‌ترین ملت‌ها ماندگار کردند

مردم فلسطین، مردم غزه در تاریخ، نام خودشان را به عنوان مقاوم‌ترین ملت‌ها ماندگار کردند. آنچه که بر مردم فلسطین گذشته است، در طول این چند سال اخیری که انتفاضه‌ها شروع شده و مقاومت واقعی شکل گرفته، یک پدیده‌ی عجیبی است. این، جز هدایت الهی و دستگیری الهی چیز دیگری نیست. انسان می‌بیند در غزه این همه مصیبت، این همه تلخی، این همه فشار؛ چه در طول آن بیست و دو روزی که جنگ بود، چه بعد از آن تا امروز - که مصائب پشت سر هم بر مردم وارد می‌شود - اما این مردم مثل کوه ایستاده‌اند.●۸۸/۱۲/۸

*شهید «یها» ابوالعطا» از فرماندهان جبهه‌ی مقاومت اسلامی بود که رژیم غاصب صهیونیستی با هدف ترور مستقیم او، با حمله‌ی موشکی اقدام به حذف این مهره‌ی ارزشمند جهاد اسلامی کرد.

این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر
شهید یها، ابو العطا*

تاریخ شهادت: ۲۱ آبانماه ۱۳۹۸

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای)

ارتباط با خط حزب‌ا...

پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸ | دورنگار: ۶۶۹۷۷۳۲۸-۰۲۱

ایتا: eitaa.com/khattehezbollah | بله: ble.im/khattehezbollah | گپ: Gap.im/KhatteHezbollah | سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

کلام امام

دعوت به اسلام، اصلش دعوت به وحدت است

بشر می‌تواند به آمال خودش برسد، آمال این دنیا و آن دنیا. این وحدت چیزی است که در قرآن به آن سفارش شده است، دعوت شده است. ائمه‌ی مسلمین دعوت کرده‌اند به این مسئله. دعوت به اسلام، اصلش دعوت به وحدت است؛ یعنی، همه در کلمه‌ی اسلام با هم مجتمع باشند و در آسایش. لکن همانطور که می‌دانید نگذاشتند که این وحدت تحقق پیدا بکند، خصوصاً در این عصرهای آخر زیادتر دامن زدند به این اختلافات و عمده هم نظرشان به این بود که کارشناس‌های آنها فهمیده بودند که اگر این اجتماع بزرگ اسلام یک وقتی به هم نزدیک بشوند و پیوند کنند، دیگر هیچ قدرتی نمی‌تواند با اینها مقابله کند. ●۶۰/۱۰/۲۲

درس اخلاق

دائماً نزد من نیایید و از همدیگر بدگویی کنید

روایتی از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود: «لایُبلِغُنی اَحَدٌ مِنکم عَن اَحَدٍ مِن اَصحابی شَیئاً فَاِنّی اُحِبُّ اَن اَخرُجَ اِلَیکُم وَ اَنَا سَلیمُ الصَّدر». پیش پیامبر می‌آمدند و از یکدیگر بدگویی می‌کردند و چیزهایی را درباره‌ی یکدیگر می‌گفتند؛ گاهی راست و گاهی هم خلاف واقع. پیامبر اکرم(ص) به مردم فرمودند: هیچ کس درباره‌ی اصحابم به من چیزی نگوید. دائماً نزد من نیایید و از همدیگر بدگویی کنید. من مایلم وقتی که میان مردم ظاهر می‌شوم و به میان اصحاب خود می‌روم، «سلیم الصّدر» باشم؛ یعنی با سینه‌ی صاف و پاک و بدون هیچ‌گونه سابقه و بدبینی به میان مسلمان‌ها بروم. این، سخنی از پیامبر و دستوری درباره‌ی مسلمان‌ها نسبت به شخص آن حضرت است. ببینید چه‌قدر این رفتار رسول اکرم(ص) کمک می‌کند به این که مسلمان‌ها احساس کنند که در جامعه و محیط اسلامی، باید بدون سوءظن و با خوشبینی با افراد برخورد کرد. ● ۶۸/۷/۲۸

شرح حدیث

دوستان واقعی خود را با دو صفت امتحان کنید

عن الصّادق(ع): «اختَبِروا اِخوانَکم بِخَصلَتَین»، اخوان، یعنی آن کسانی که می‌خواهید به عنوان برادران خود و افرادی که با آنها صداقت دارید، انتخاب کنید، این دو صفت را در آنها حتماً ملاحظه کنید. «فَإن کانَتا فیهِم»؛ اگر این دو صفت در آنها بود، چه بهتر؛ «اگر نبود» دوری کنید از آنها. این دو صفت چیست؟ «مُحافِظَةٌ عَلَی الصَّلَواتِ فی مَواقیتِها»، یکی این که محافظ نماز باشد]. در مواقیت، لابدمراد مواقیت فضیلت است؛ والّا مطلق مواقیت اگر مورد نظر باشد، ولو آخر وقت، اینکه خب، اگر کسی نکند این کار را، فاسق است. «وَالبِرُّ اِلی الاِخوانِ فِی العُسرِ وَالیُسر»[۱]. صفت دوم هم یک صفت اجتماعی است. اوّلی صفت فردی بود، بینه و بین اللّه بود؛ این دومی بینه و بین النّاس است. کسی باشد که صفتش این باشد، که به برادرانش نیکی می‌کند؛ هم در عسر، هم در یسر. حالا این عسر و یسر، چه عسر و یسر خود انسان، ولو در عسر هم باشد، سختی هم باشد، بالاخره کمک می‌کند؛ حالا تنگدستی دارد، مالی ندارد که کمک بکند، امامی تواند تسلّی بدهد، با زبان کمک کند، با آبرو کمک کند... در همه‌ی حالاتِ برادرش به او کمک کند و نیکی کند.● ۸۹/۱۰/۲۱ | ۱) اکافی، ج۲، ص۶۷۲.

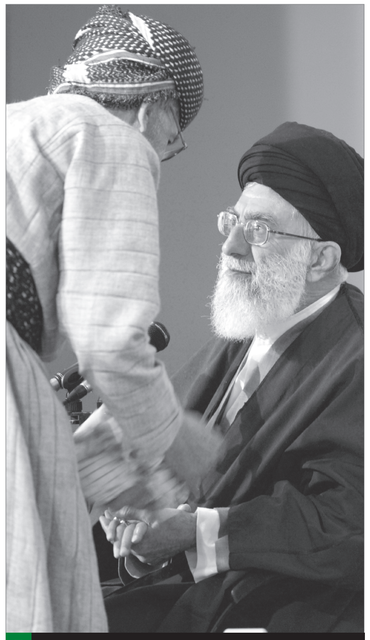

در حاشیه دیدار جمعی از اهل تسنن استان کردستان با رهبر انقلاب | ۸۸/۲/۲۴

هفته مشترک الاحترام بین مسلمین

این هفته‌ی وحدت، این هفته‌ی مشترک الاحترام بین مسلمین را قدر بدانید. همه سعی کنند وحدت و اتّحاد نیروها و در یک جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمین را - که رمز سعادت و مایه سربلندی مسلمین و بزرگ‌ترین حربه ملت‌ها در مقابل استکبار جهانی است - مغتنم بشمارند و قدر بدانند.● ۷۵/۵/۱۳

خانواده ایرانی

نظر رهبر انقلاب درباره چند همسری مردان

در نظر رهبر انقلاب بنابر ادلّه‌ی معتبر دینی چند همسری مردان، مباح اما غیر مستحب است، اما از آنجا که مطابق دلایل قرآنی جواز آن مشروط به اطمینان از رعایت عدالت بین همسران شده است، بنابراین هر گاه از نظر عقلایی عدم تحقق رعایت عدالت بین همسران محتمل باشد، ازدواج مجدد شوهر جایز نیست. همچنین در نگاه کلان ایشان، خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی در زندگی انسان و ضرورت شکل‌گیری خانواده و مراقبت و حفاظت از آن، عواملی در استحکام این بنیان الهی و شکل‌گیری آن مؤثر است از جمله: حفظ محبت و اعتماد متقابل زوجین، اصالت نقش مادری و تربیتی بانوان، پرهیز از راه یافتن نگاه مادی به خانواده و تجمل‌گرایی و رقابت‌های مادی خانواده‌ها، ترویج ازدواج آسان و نقش مهم و مؤثر والدین در آن، وظیفه‌ی دستگاه‌های حکومتی و رسانه‌ها در تسهیل امر ازدواج جوانان. بر این اساس از آنجا که در جامعه و کشور ما ازدواج مجدد مردان غالباً به ضرر استحکام خانواده و موجب تضعیف محبت زوجین و گاه فروپاشی خانواده است، نگاه معظم‌له به آن خوشبینانه و مثبت نیست و از این روست که این جمله در بیان ایشان تکرار شده است که: «خدا یکی و محبت یکی و یار یکی». ●۹۸/۸/۲۱

حزب‌الله این است

وقتی بصیرت نبود مثل انسانی است که چشم ندارد

اگر ما بصیرت نداشته باشیم، اگر ما بینش درست، چشم باز، هوشیاری لازم نداشته باشیم، نه درست منافع حقیقیمان را تشخیص می‌دهیم، نه درست راه رسیدن به این منافع را تشخیص می‌دهیم، نه درست آدمی را که باید این بار بزرگ را بر دوش بگیرد، می‌شناسیم وقتی بصیرت نبود مثل انسانی است که چشم ندارد، راه را نمی‌بیند؛ بصیرت برای یک کشور، یک ملّت و آحاد یک مجموعه، به این اهمّیّت است. ● ۹۸/۸/۸

اخلاق انقلابیگری

اینها ملاک‌های انقلابی بودن است

اگر چنانچه بخواهیم جسارت کنیم و عرض بکنیم ملاک انقلابی بودن... چیست، بنده به نظرم می‌رسد ملاک انقلابی بودن، تقوا است، شجاعت است، بصیرت است، صراحت است، نترسیدن از «لومَةَ لائِم» است؛ اینها ملاک انقلابی بودن است. اگر چنانچه ما تقوا داشته باشیم، شجاعت لازم را هم داشته باشیم، صراحت لازم را هم -[البتّه] در جایی که صراحت لازم است؛ آنجایی که تکنیه لازم است، نه؛ آنجا صراحت مضر است- داشته باشیم، اگر توانستیم اینها را انجام بدهیم [انقلابی هستیم]. ● ۹۵/۳/۶

هفت حکایت خواندنی از زندگی پیامبر اعظم(ص) در بیانات رهبر انقلاب

امروز هم اُسامه‌های زیادی داریم

رهبر انقلاب درباره‌ی شخصیت والای پیامبر(ص) چنین می‌فرمایند: «نبی مکرم اسلام جدای از خصوصیات معنوی و نورانیت و اتّصال به غیب و آن مراتب و درجاتی که ما از فهمیدن آن‌ها هم حتّی قاصر هستیم... ما باید به پیامبر اقتدا و تأسی کنیم. نه فقط در چند رکعت نماز خواندن که در رفتارمان، در گفتارمان، در معاشرت و در معامله‌مان هم باید به او اقتدا کنیم. پس باید او را بشناسیم.» ۷۹/۲/۲۳ بنابراین «سر روی شخصیت پیغمبر اکرم اگر تمرکز کنیم، دقت کنیم، بخواهیم درس بگیریم، برای دین و دنیای ما کافی است.» ۹۰/۱۱/۲۱ از همین روی، تشریه‌ی خط حزب‌الله به مناسبت فرا رسیدن ایام ولادت پیامبر رأفت و مهربانی حضرت رسول‌الله الاعظم(ص) هفت برش از زندگی سراسر حماسه‌ی این الگوی زندگی بشریت را در اطلاع‌نگاشت این شماره مرور کرده است.

۱ پیمان حلف الفضول علیه گردن کلفت‌های مکه

در جاهلیت، پیمانی به نام «حلف الفضول» - پیمان زیادی؛ غیر از پیمانهایی که مردم مکه بین خودشان داشتند - وجود داشت که پیامبر در آن شریک بود. یک نفر غریب وارد مکه شد و جنسش را فروخت. کسی که جنس را خریده بود، «عاص بن وائل» نام داشت که مرد گردن کلفتِ قلدری از اشراف مکه بود. جنس را که خرید، پولش را نداد. آن مرد غریب به هر کس مراجعه کرد، نتوانست کمکی دریافت کند. لذا بالای کوه ابوقبیس رفت و فریاد زد: ای اولاد فهر! به من ظلم شده است. پیامبر و عمویش زبیر بن عبدالمطلب آن فریاد را شنیدند؛ لذا دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند که از حق او دفاع کنند. بلند شدند پیش «عاص بن وائل»، رفتند و گفتند پولش را بده! او هم ترسید و مجبور شد پولش را بدهد. این پیمان بین این‌ها برقرار ماند؛ به‌حدّی که هموس شخصی است، اما گرفتند هر بیگانه‌ای وارد مکه شد و مکّی‌ها به او ظلم کردند - که غالباً هم به بیگانه‌ها و غیرمکّی‌ها ظلم می‌کردند - این‌ها از او دفاع کنند. بعد از اسلام، سال‌ها گذشته بود، پیامبر می‌فرمود که من هنوز هم خود را به آن پیمان متعهّد می‌دانم. ۷۹/۲/۲۳

۲ از همان اول حکومت، طرف محرومان را گرفت

وقتی شتر پیغمبر وارد شهر یثرب شد، جلو هر کدام از قلعه‌های قبایل که رسید، بزرگان بیرون آمدند و جلو شتر را گرفتند: یا رسول‌الله! بیا این‌جا، خانه، زندگی، ثروت و راحتی ما در اختیار تو. پیغمبر فرمود: جلو این شتر را باز کنید؛ «انّها مأمورة»؛ دنبال دستور حرکت می‌کند؛ بگذارید برود... شتر به فقیرنشین‌ترین محلّات مدینه آمد و در جایی نشست. همه نگاه کردند ببینند خانه‌ی کیست؛ دیدند خانه‌ی ابی‌ایّوب انصاری است؛ فقیرترین یا یکی از فقیرترین آدم‌های مدینه. خودش و خانواده‌ی مستمند و فقیرش آمدند و اثاث پیغمبر را برداشتند و داخل خانه بردند. پیغمبر هم به عنوان میهمان، وارد خانه‌ی آنها شد... معلوم شد که این شخص، وابسته‌ی به پول و حیثیت قبیله‌ای و شرفِ ریاست فلان قبیله و وابسته‌ی به قوم و خویش و فامیل و اُدم‌های پُرزر و پشت‌هم‌انداز و امثال اینها نیست و نخواهد شد. ۸۰/۲/۲۸

۳ بدون کمک خدا از من کاری بر نمی‌آید

پیامبر بزرگوار... به صراحت می‌گفت من به‌خودی خود نمی‌توانم و بدون کمک خدا از من کاری برنمی‌آید. در جنگ احزاب، در حالی که همه‌ی دشمنان از اطراف، مدینه و پیامبر و گروه مؤمنین را محاصره کرده بودند، با این نیّت که اسلام و قرآن و پیام جدید را به کلّی از بیخ و بن بکَنند، پیامبر اکرم در کنار آرایش نظامی، در کنار تدابیر بسیار هوشمندانه‌ای که در آنجا به کار برد، در کنار تحریض مردم به مقاومت، در مقابل چشم مردم بر زمین زانو گذارد؛ بارها این کار تکرار شد که در کتاب‌های سیره هست. پیامبر دستش را بلند می‌کرد، تضرّع می‌کرد، اشک می‌ریخت و می‌گفت: پروردگارا! به ما کمک کن و نصرتت را به ما برسان و به ما توفیق بده. ۷۹/۳/۲۹

۴ فقط آنچه برای خداست می‌ماند

در زمان پیامبر اکرم(ص) بزغاله‌ای را خدمت ایشان آوردند و حضرت آن را ذبح کردند. فقرا و مستحقان نزد ایشان آمدند و طلب گوشت کردند. پیامبر(ص) مرتب از گوشت آن بزغاله‌ای که برای خودشان ذبح کرده بودند، می‌بریدند و به فقرا می‌دادند. نهایتاً از تمام گوشت‌ها، فقط کتف آن باقی ماند. چون دیگر کسی نبود، آن را به خانه‌ی خود بردند، تا بپزند و بخورند. یکی از همسران حضرت عرض کرد: یا رسول‌الله! همه‌ی بزغاله‌ای ما رفت و فقط همین کتفش برایمان ماند. پیامبر(ص) فرمودند: خیر، همه‌اش ماند و همین کتفش است که از دست ما خواهد رفت؛ چون این کتف را می‌خوریم و تمام می‌شود، اما آنهایی را که انفاق کرده‌ایم، برای ما می‌ماند.
۶۸/۴/۲۸

۵ عزیزتر و باشکوه‌تر از کسری و قیصر

آن مردمی که ده سال با او [پیامبر(ص)] زندگی کردند، روز به روز محبت پیغمبر و اعتقاد به او در دل‌هایشان عمیق‌تر شد. وقتی در فتح مکه، ابوسفیان مخفیانه و با حمایت عبّاس - عموی پیغمبر - به اردوگاه آن حضرت آمد تا امان بگیرد، صبح دید که پیغمبر وضو می‌گیرد و مردم اطراف آن حضرت جمع شده‌اند تا قطرات آبی را که از صورت و دست ایشان می‌چکد، از یکدیگر بربایند! گفت: من کسری و قیصر - این پادشاهان بزرگ و مقتدر دنیا - را دیده‌ام؛ اما چنین عزّتی را در آن‌ها ندیده‌ام. ۸۰/۲/۲۸

۶ از بین بردن اشرافی‌گری با اعلام اخوت‌ها

[یکی از اقدامات] بسیار مهم [پیامبر] ایجاد اخوّت بود. اشرافی‌گری و تعصّب‌های خرافی و غرور قبیله‌ای و جدایی قشرهای گوناگون مردم از یکدیگر، مهم‌ترین بلای جوامع متعصّب و جاهلی آن روز عرب بود. پیغمبر با ایجاد اخوّت، اینها را زیر پای خودش له کرد. بین فلان رئیس قبیله با فلان آدم بسیار پایین و متوسّط، اخوّت ایجاد کرد. گفت شما دو نفر با هم برادرید؛ آنها هم با کمال میل این برادری را قبول کردند. اشراف و بزرگان را در کنار بردگانِ مسلمان شده و آزادی یافته قرار داد و با میان مسلمان‌ها بروم. این، سخنی از پیامبر و دستوری درباره‌ی مسلمان‌ها نسبت به شخص آن حضرت است. ببینید چه‌قدر این رفتار رسول اکرم(ص) کمک می‌کند به این که مسلمان‌ها احساس کنند که در جامعه و محیط اسلامی، باید بدون سوءظن و با خوشبینی با افراد برخورد کرد. ● ۶۸/۷/۲۸

۷ دوران پیامبر(ص)، دوران امیری جوان‌ها

در جنگ‌ها خود پیامبر اکرم فرماندهی را عهده‌دار می‌شد؛ اما آن وقت که در آخرین هفته‌های زندگی خود احساس کرد از این عالم خواهد رفت و لشکرکشی به سرزمین امپراتوری روم به وسیله خود او امکان ندارد - چون کار بسیار بزرگ و دشواری بود؛ لازم بود نیرویی برای این کار برگزیده شود که هیچ مانعی نتواند جلو آن را بگیرد - این مسئولیت را به یک جوان هجده ساله داد. و او «اسامة بن زید» بود. پیامبر از ایمان و از سابقه فرزند شهید بودن او هم استفاده کرد... ما امروز در کشورمان اسامة بن زیدهای زیادی داریم؛ جوانان زیادی داریم؛ دختران و پسران عظیم و جمعیت انبوهی از این مجموعه‌ها داریم که حاضرند در همه میدان‌های فعّال - در میدان درس، در میدان سیاست، در میدان فعّالیت‌های اجتماعی، در میدان مشارکت‌های گوناگون برای فقرزدایی، برای سازندگی، و در هر صحنه و عرصه‌ای که برای آنها برنامه‌ریزی شود و امکان داده شود - شرکت کنند. این موقعیت بسیار مهمی برای کشور ماست. ۷۹/۲/۱

شرح حدیث

دوستان واقعی خود را با دو صفت امتحان کنید

عن الصّادق(ع): «اختَبِروا اِخوانَکم بِخَصلَتَین»، اخوان، یعنی آن کسانی که می‌خواهید به عنوان برادران خود و افرادی که با آنها صداقت دارید، انتخاب کنید، این دو صفت را در آنها حتماً ملاحظه کنید. «فَإن کانَتا فیهِم»؛ اگر این دو صفت در آنها بود، چه بهتر؛ «اگر نبود» دوری کنید از آنها. این دو صفت چیست؟ «مُحافِظَةٌ عَلَی الصَّلَواتِ فی مَواقیتِها»، یکی این که محافظ نماز باشد]. در مواقیت، لابدمراد مواقیت فضیلت است؛ والّا مطلق مواقیت اگر مورد نظر باشد، ولو آخر وقت، اینکه خب، اگر کسی نکند این کار را، فاسق است. «وَالبِرُّ اِلی الاِخوانِ فِی العُسرِ وَالیُسر»[۱]. صفت دوم هم یک صفت اجتماعی است. اوّلی صفت فردی بود، بینه و بین اللّه بود؛ این دومی بینه و بین النّاس است. کسی باشد که صفتش این باشد، که به برادرانش نیکی می‌کند؛ هم در عسر، هم در یسر. حالا این عسر و یسر، چه عسر و یسر خود انسان، ولو در عسر هم باشد، سختی هم باشد، بالاخره کمک می‌کند؛ حالا تنگدستی دارد، مالی ندارد که کمک بکند، امامی تواند تسلّی بدهد، با زبان کمک کند، با آبرو کمک کند... در همه‌ی حالاتِ برادرش به او کمک کند و نیکی کند.● ۸۹/۱۰/۲۱ | ۱) اکافی، ج۲، ص۶۷۲.

اصول عدالتخواهی

اصل کار دانشجو، در زمینه عدالتخواهی چیست؟

مطالبه‌ی عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیط‌های جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند. اگر غیر از این کاری صورت گیرد، ممکن است درست و باغلط باشد، که بنده چون نمی‌دانم، نمی‌دهم... معتقدم دانشجو در زمینه‌ی عدالتخواهی باید اصل قضیه را مطالبه کند: جاذبا ختن فکر عدالتخواهی در ذهن مردم، در ذهن خانواده‌ها و در ذهن هر کسی که در حوزه کار او قرار می‌گیرد. ۸۲/۲/۲۲ منظور از خواست و مطالبه هم این نیست که انسان مشتش را گره کند و مسأله‌ای را بخواهد؛ نه، بلکه بداند که این مطالبه و خواسته لازم است و باور کنید که این نیازی قطعی و حیاتی برای کشور و جامعه است. نفس این که شما این موضوع را باور کنید، مهم‌ترین مطالبه است و اثر خود را در حرف، کار، تعامل، جبهه‌گیری سیاسی و حرکت دینی و مردمی شما می‌گذارد.● ۸۲/۸/۱۵

رونق تولید

یک سرموضوع اقتصاد دست خود مردم است

تولید داخلی احتیاج دارد به مصرف داخلی؛ این به عهده‌ی مردم است. مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. اینکه کسانی همه‌اش دنبال مارک‌ها و برندهای خارجی و اسم‌های خارجی باشند، خطاست؛ فروشاندن یک هوس شخصی است، اما ضربه‌زدن به یک کار عمومی و اصلی است. مصرف داخلی، تولید داخلی را افزایش می‌دهد؛ تولید داخلی که افزایش پیدا کرد، همین مشکلاتی که آقای امام جمعه‌ی محترم گفتند، برطرف می‌شود؛ بیکاری برطرف می‌شود. تولید که رونق بگیرد، یعنی تورم کم بشود، گرانی کم بشود، اشتغال افزایش پیدا کند؛ اینها همه به هم متصل است. یک سر این قضیه دست ما مردم است، که مصرف خودمان را چگونه انتخاب کنیم. به هر حال وظائف زیاد است، اما توفیقات الهی هم بسیار زیاد است.● ۹۱/۷/۲۲

خاطرات رهبری

آن روز نمی‌توانستم در خانه بمانم

در ۱۴ فروردین ۱۳۴۶، حاج شیخ مجتبی قزوینی وفات کرد. او از بزرگان کم نظیر بود؛ مردی شریف، عالم، مؤمن، عابد، زاهد، مورد احترام، و با هیبت و وقار بود؛ حتی مورد تکریم آقای میلانی نیز قرار داشت. این حادثه‌ای بزرگ بود، و من نمی‌توانستم در خانه بمانم. من از جمله‌ی کسانی بودم که به مراسم تشییع اهتمام داشتم. پس از به خاکسپاری حاج شیخ مجتبی و برگشتن مردم کمی از ظهر گذشته به اتفاق برادرم «سید هادی» عازم منزل پدرم شدیم. مادرم در آن ایام به حج رفته بود و پدرم تنها بود. در میان راه، مأموران ساواک ما را محاصره کردند. به من گفتند: بیا به مقر ساواک. گفتم: نمی‌آیم. از پلیس کمک گرفتند و من و برادرم را بردند و در ماشینی انداختند. در مقر ساواک برادرم را آزاد کردند و مرا نگه داشتند؛ چون هدف، من بودم. ● خون دلی که لعل شد